

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لعنة الله علي اعدائهم اجمعين من الان الي قيام يوم الدين

یادآوری 1؛ بررسی مبنای دوم یا مبنای قائلین به جریان استصحاب در اطراف علم اجمالی

بحث رسید به اینجا که با قطع نظر از اینکه در اطراف علم اجمالی آیا استصحاب جاری می شود یا نه؟ آیا استصحاب عدم اتیان سجده. حالا چه در اثناء نماز و چه بعد از نماز، اگر شك کند که سجده را آورد یا خیر؟ آیا استصحاب عدم اتیان سجده از نظر اینکه حالت سابقه دارد یا ندارد مواجه با اشکال هست یا مواجه با اشکال نیست؟

بررسی نظریه محقق عراقی (ره) درباره جاری نشدن استصحاب عدم اتیان سجده در حاشیه کتاب روائع

عرض کردیم مرحوم محقق عراقی (ره) می فرمایند:

اگر ما مستصحب را یکی از این دو تا قرار بدهیم، استصحاب از این نظر جریان پیدا می کند، اما يك اشکال دیگری دارد و آن دو تا این است که ما مستصحب را یا «ترك مطلق» قرار بدهیم و یا «ترك مقید بغیر عمد» قرار بدهیم.

«احتمال اول»: ترك مطلق حالت سابقه دارد، قبل از اینکه من نماز بخوانم، آن موقع نه نمازی بود و نه سجده، الآن هم که نماز خواندم شك می کنم سجده ترك شده یا نه؟ «الترك المطلق كان موجوداً في الأزل»، قبل از نماز و قبل از وجود من این سجده «كانت متروكة» □ «الترك المطلق كان موجوداً في الأزل»، پس حالت سابقه دارد، استصحاب می کنیم، این يك.

«احتمال دوم»: اگر مستصحب را «ترك مقید بغیر عمد»، قرار بدهیم و بگوئیم ترك غیر عمدی، این هم در ازل بوده، این هم حالت سابقه دارد، قبل از نماز ترك غیر عمدی بوده، در ازل ترك غیر عمدی بوده، استصحاب می کنیم.

در این دو فرض روی مبنای جریان استصحاب در عدم ازلی و اعدام ازلیّه بحثی نیست؛ ولی مشکلی که این دو فرض دارد این است که یکی از شرایط استصحاب ترتب اثر شرعی بر مستصحب است، شما این را در «معالم الاصول» و «اصول فقه» و «رسائل» و «کفایة الاصول» خواندید، اگر ان شاء الله فراموش نکرده باشید که استصحاب در جایی است که مستصحب:

یا خودش حکم شرعی باشد، بگوئیم قبلاً واجب بوده و الآن هم واجب است، قبلاً حرام بوده و الآن هم حرام است! استصحاب یا جایی است که مستصحب حکم شرعی باشد؛

و یا اگر حکم شرعی نیست موضوعی باشد که دارای اثر شرعی است.

حالا می آئیم اینجا؛ این دو فرض را بررسی کنیم، «ترك مطلق» و «ترك غیر عمدی»، اینها خودش حکم که نیست! پس حکم

شرعی نیستند، آیا موضوع برای حکم شرعی هم واقع شده یا نه؟

مرحوم محقق عراقی(ره) می‌فرماید: به نظر ما هیچ يك از این دو تا موضوع برای حکم شرعی هم واقع نشده، مسئله‌ی وجوب القضاء نه حکم است و نه اثر است برای ترك مطلق و نه اثر است برای ترك غیر عمدي.

«احتمال سوم»: می‌آئیم سراغ فرض سوم؛ فرض سوم این است که بگوئیم موضوع برای وجوب القضاء و آنچه که به عنوان استصحاب در اینجا می‌خواهد مطرح باشد و مستصحب، «ترك سهوي» است.

مرحوم عراقی(ره) می‌فرماید: این موضوع برای حکم شرعی است، در شرع داریم اگر کسی سهویاً يك سجده‌ای را ترك کند، چه چیز برایش واجب است؟ قضا برایش واجب است. وجوب القضاء حکم شرعی است، اثر شرعی است موضوعش ترك سهوي است، در این شقّ سوم از نظر ترتب اثر شرعی مشکلی نداریم، اما مشکله‌ی ما در این شقّ سوم این است که ترك سهوي حالت سابقه ندارد، نمی‌توانیم بگوئیم این آقا قبل از نماز سهواً ترك کرده و الآن هم در نماز تركش «كان عن سهو» است، ترك سهوي حالت سابقه ندارد.

بنابراین اگر ما فرض سوم را بگیریم، که ترك مقید به سهوي بودن باشد، اینجا حالت سابقه ندارد، در شقّ اول و دوم حالت سابقه بود به عنوان عدم ازلی بود اما اثر شرعی نداشت، در اینجا یعنی در ترك سهوي اثر شرعی هست، حالت سابقه ندارد. ما اگر بخواهیم يك راهی را طی کنیم بگوئیم خود ترك که قبلاً بوده، قبل از نماز ترك بوده، الآن استصحاب کنیم ترك را و اثبات کنیم که این ترك ترك سهوي است، یعنی با استصحاب بگوئیم «هذا الترك سهوي»، این می‌شود اصل مثبت. اگر بخواهیم با استصحاب سهوي بودن را اثبات کنیم این عنوان اصل مثبت را دارد. تعبیر این است که می‌گوئیم عدم اتیان سجده را استصحاب کنیم، یعنی همان ترك را استصحاب کنیم. این استصحاب عدم اتیان سجده می‌گوید تو سجده نیاوردی، همین اندازه. اما اثبات نمی‌کند این ترك و عدم اتیان، سهوي بوده است. این سه فرض در اینجا کلامی است که مرحوم محقق عراقی(ره) مطرح کرده است.

نظر متفاوت محقق خویی(ره) درباره جریان استصحاب در مقام

آن وقت اینجا مرحوم محقق خویی(ره) از مرحوم محقق عراقی(ره) جدا می‌شود! طبق مبنای مرحوم آقاي خویی(ره) استصحاب عدم اتیان سجده وجود دارد و دیروز هم در تبیین نظر شریف ایشان عرض کردیم که طبق نظر ایشان این آدم سه تا سجده باید بیاورد؛ یکی رجوعي و دو تا قضایی. و عرض کردیم اینجا دیگر مسئله‌ی «ما في الذمة» هم مطرح نمی‌شود!

نتیجه نظر محقق عراقی(ره) و شیخ انصاری(ره)

اما مرحوم عراقی(ره) در حاشیه‌ی کتاب «روائع الامالي» این اشکال را بر استصحاب کردند و در نتیجه طبق نظر شریف مرحوم عراقی(ره) استصحاب عدم اتیان سجده اصلاً جریان ندارد، برای اینکه یا اثر ندارد یا حالت سابقه ندارد، یا عنوان اصل مثبت را پیدا می‌کند. حالا که استصحاب جریان نداشت، عین فرمایش شیخ انصاری(ره) را ایشان فرموده. می‌گوئیم علم اجمالی داریم این آدم در اثناء نماز است، علم اجمالی داریم به اینکه دو تا سجده از او فوت شده و نمی‌داند این سجده ها یکی مال «الركعة التي بيده» است یا مال قبل از آن است؟ به مقتضای علم اجمالی و احتیاط اینجا باید عمل کرد؛ لذا می‌فرماید: «فمقتضي ما ذكرنا»، این کلام مرحوم عراقی(ره) در حاشیه کتاب «روائع الامالي» است که می‌فرماید: «فمقتضي ما ذكرنا وجوب القضاء لهما بلا احتياج إلي الاستصحاب»، دیگر احتیاجی به استصحاب نداریم.

مناقشه بر نظر محقق عراقی(ره) و شیخ انصاری(ره) از منظر مختار

يك نکته‌ای که اینجا وجود دارد، هم نسبت به کلام مرحوم عراقی(ره) و هم نسبت به کلام مرحوم شیخ انصاری(ره)؛ ما باید

عرض کنیم مقتضای احتیاط و اشتغال، آوردن سه سجده است نه «وجوب القضاء لهما»، برای اینکه در مفروض مسئله یقین داریم يك سجده را که نیاورده، پس آن یکی باید مسلم قضاء شود، اما نسبت به سجده‌ی دوم؛ نمی‌داند «من الركعة التي بيده» یا از رکعت قبلی است! مقتضای علم اجمالی و اشتغال این است که هم الآن برگردد این سجده را تدارک ببیند و هم بعد از نماز، همین سجده را قضاء کند.

چرا مرحوم عراقی(ره) می‌فرماید: «فمقتضي ما ذكرناه وجوب القضاء لهما»، مقتضای علم اجمالی سه تا سجده است و حتی باید نظر مرحوم شیخ انصاری هم که می‌فرماید استصحاب جاری نمی‌شود نتیجه این باشد که سه تا سجده آورده شود و بعید نیست از کلامی که از امام خمینی(ره) الآن می‌خواهیم نقل کنیم، ولو صریح نیست! ولی همین مطلب استشمام می‌شود. فقط تا اینجا ما مبانی را روشن کردیم و این تعلیقه را هم داریم هم بر فرمایش عراقی(ره) و هم بر فرمایش شیخ اعظم(ره)، که اگر استصحاب را کنار گذاشتیم، اینجا مقتضای علم اجمالی و قاعده اشتغال این است که سه تا سجده باید آورده شود؛ یکی رجوعی و دو تا قضایی.

بررسی نظر محقق خویی(ره) پیرامون موضوع وجوب قضا

اما بحثی که اینجا وجود دارد؛ حالا باز قبل از اینکه این را هم مطرح کنیم، مرحوم آقای خوئی(ره) يك مطلبی که دارند این است که می‌فرمایند: ترك غير عمدي ملازمه ندارد با اینکه ما بیائیم بگوئیم موضوع قضا ترك سهوي است. بحث مهم اینجا این است الآن. مسئله‌ی وجوب قضای سجده موضوع چیست؟ مرحوم محقق عراقی(ره) و به تبع ایشان مرحوم امام خمینی(ره)، می‌فرمایند: موضوع قضا، ترك سهوي است، «إذا تركت السجدة سهوياً يجب عليك القضاء».

در مقابل این نظر برخی مثل مرحوم آقای خوئی(ره) می‌فرمایند موضوع وجوب قضاء «السجدة المتروكة» است، سجده متروکه. ایشان می‌فرمایند ما در روایات داریم که سجده منسیه و سجده متروکه «محکومة بالتدارك في فرض الامكان و بالقضاء في فرض عدم امکان الرجوع»، و در دنباله مطلب می‌فرمایند ما باشیم و ادله، ادله می‌گوید ترك عمدي موجب بطلان نماز است. می‌گوید اگر کسی سجده‌اش را عمدتاً ترك کند، این نمازش باطل است، اما از این نمی‌توانیم استفاده کنیم که موضوع وجوب قضا ترك سهوي است، ترك عمدي موجب بطلان نماز است ولی «و هذا لا يستوجب تقييد موضوع القضاء بعنوان ترك السهوي»

مناقشه بر نظر محقق خویی(ره) از نظر مختار

حالا ما می‌خواهیم از شما سؤال کنیم، این فرمایش به نظر ناقص هم‌ی ما، چه اینکه عظمت مرحوم آقای خوئی(ره) در سر جای خودش محفوظ، اگر يك روایات یا ادله‌ای آمد دلالت داشت به اینکه ترك عمدي موجب بطلان نماز است و يك روایاتی هم آمد گفت اگر سجده ترك شد قضاء کن، آن روایات قرینه نمی‌شود که مراد از این ترك، ترك سهوي است؛ جواب این است که این خیلی واضح است و واقعاً ما هر چه فکر کردیم چطور این مطلب از مرحوم آقای خوئی(ره) صادر شده، به جایی نرسیدیم؛ شما آقای خویی(ره) می‌فرمایید: در روایات کلمه‌ی سهو نیامده، ما می‌گوییم درست است! البته کلمه‌ی نسیان آمده، «نسي»، نسیان؛ اولاً ظهور در سهو دارد که معنای نسیان سهو است؛ ثانیاً: حالا بر فرض که کلمه‌ی نسیان هم نیامده باشد! بگوئیم کلمه‌ی ترك آمده باشد، در این تردیدی نیست که آن ادله‌ای که می‌گوید ترك عمدي سجده، موجب بطلان نماز است، ادله‌ای داریم که می‌گوید اگر سجدتین ترك شد، چه عمدتاً و چه سهواً نماز باطل است، اما اگر سجده‌ی واحده را عمدتاً ترك کردی نماز باطل است، او قرینه می‌شود برای اینکه این روایاتی که می‌گوید اگر سجده ترك شد قضا کن، این روایات را حمل بر ترك سهوي کنیم.

نظر امام خمینی(ره) مؤید نظر مختار

امام خمینی(ره) نیز فرمایش‌شان همین است، البته این را دیگر روشن نکردند. می‌فرمایند: «و ظاهر الادلة هو ترتب علی الترك السهوي»، ظاهر ادله همین است، حالا یکی از ادله را ما یادداشت کردیم که به آن اشاره کنیم، قبلاً هم این را خواندیم، صحیحه أبي بصير در وسائل الشیعة، ج 6، ص: 366، آمده است «و بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُهُ عَمَّنْ نَسِيَ»، نَسِيَ صریح در سهو است، کجای این نسی ترك مطلق دارد؟، «أَنْ يَسْجُدَ سَجْدَةً وَاحِدَةً فَذَكَرَهَا وَ هُوَ قَائِمٌ قَالَ يَسْجُدُهَا إِذَا ذَكَرَهَا مَا لَمْ يَرْكَعْ فَإِنْ كَانَ قَدْ رَكَعَ فَلْيَمْضِ عَلَى صَلَاتِهِ فَإِذَا انْصَرَفَ قَضَاهُ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ سَهْوٌ»، اگر بعد از رکوع رکعت بعد، یادش آمد يك سجده در رکعت قبل نیاورده، «فَلْيَمْضِ عَلَى صَلَاتِهِ»، نمازش را ادامه بدهد «فَإِذَا انْصَرَفَ قَضَاهُ»، باید قضا کند. این روایت صریح در این است که موضوع قضا مسئله‌ی سهو است، حالا اگر کلمه‌ی نسی هم نباشد، روایاتی که کلمه‌ی ترك دارد، آنها را هم باید حمل بر ترك سهوي کرد.

خلاصه اینکه:

يك دسته روایات کلمه‌ی نسی دارد که به معنای ترك سهوي است، يك دسته روایات هم کلمه ترك دارد که مطلق است، آن روایاتی که می‌گوید ترك عمدی موجب بطلان است، آن روایاتی که می‌گوید ترك موجب قضا است را تقیید می‌زند. پس بالآخره با آن روایات عمدی باید بگوئیم این روایاتی که می‌گوید ترك، یعنی «أي الترك أي غير العمدی»، یعنی ترك غیر عمدی، باز می‌فرمایید سهوي بودن را در اینجا دلالت ندارد؟

نظر نهایی امام خمینی(ره) در مورد موضوع وجوب قضا

امام خمینی(ره) می‌فرمایند: «غایة ما يمكن ان يدعي هو ترتبه علي عنوان أعم منه»، یعنی اگر کسی پافشاری کند که آن روایات که می‌گوید ترك عمدی موجب بطلان است، قرینه نمی‌شود بر اینکه این روایات را حمل بر ترك سهوي کنیم و بلکه يك عنوان اعمی را دلالت دارد، عنوان اعم چیست؟ «و هو ترك الغير العمدی»، ترك غیر عمدی. امام خمینی(ره) می‌فرماید ما بیائیم از مجموع ادله استفاده کنیم که آنجایی که سجده باید قضا شود، موضوعش ترك غیر عمدی است. می‌فرمایند ما ممکن است این را قبول کنیم، بعد وارد این بحث می‌شوند که این ترك غیر عمدی دو جور در اینجا مصداق پیدا می‌کند:

«مصادق اول»: یکی به نحو موجب‌ی معدولة المحمول

«مصادق دوم»: و دیگری به نحو موجب‌ی سالبه المحمول.

تبیین نظر امام خمینی(ره)

ما سه نوع قضیه داریم: در تبیین نظر امام خمینی(ره) باید خدمت شما عرض کنم که: ما سه جور قضیه داریم؛

«نوع اول»: يك قضیه می‌گوئیم: «ليس زيدٌ بقائمٍ»، این را می‌گویند سالبه‌ی محصله؛

«نوع دوم»: می‌گوئیم: «زيدٌ ليس بقائمٍ»، این موجب‌ه است اما موجب‌ه سالبه المحمول است؛

«نوع سوم»: می‌گوئیم: «زيدٌ لا قائمٍ»، به این می‌گویند موجب‌ی معدولة المحمول، یعنی موجب‌ای که حرف سلب از محل خودش عدول کرده و جزء محمول قرار گرفته، می‌شود معدولة المحمول.

پس این سه قضیه را دقت کنید: «ليس زيدٌ بقائمٍ» □ «زيدٌ ليس بقائمٍ» و «زيدٌ لا قائمٍ». امام خمینی(ره) می‌فرمایند: خلط بین این

سه قضیه در فقه و اصول سبب اشتباهات فراوانی برای فقها شده، در بحث اصالة عدم تزکیة در لباس مشکوک، در اصالة عدم القرشیة در مسئلہ یائسه.

فرق بین سه قضیه

حالا فرق اینها را توضیح بدهیم؛ فرق بین اولی و آن دو تای دیگر در چیست؟ این است که: اولی که می‌گوئیم «لیس زید بقائم»، با این سازگاری دارد که اصلاً زیدی هم نباشد تا قائم باشد، یعنی اولی هم به نحو سلب به انتفاع محمول معنا دارد و هم به نحو سلب به انتفاع موضوع. یعنی: آنجایی که زیدی هست و نایستاده، می‌گوئیم «لیس زید بقائم»، آنجایی که زید اصلاً به دنیا نیامده هم می‌گوئیم «لیس زید بقائم»، سالبه‌ی محصله با سلب الموضوع هم سازگاری دارد.

اما وجهی سالبه المحمول، می‌گوییم «زید لیس بقائم»، حتماً باید زیدی موجود باشد و متّصف باشد به لیس بقائم، یعنی اینجا دیگر انتفاع موضوع معنا ندارد.

در وجهی معدولة المحمول «زید لا قائم» هم همینطور است باید زیدی باشد که به عدم قیام متّصف باشد.

تطبیق مساله بر ما نحن فیه

وقتی کلی‌اش روشن شد حالا می‌آئیم در ما نحن فیه؛ در ما نحن فیه می‌گوئیم اگر بگوئیم ترك به نحو سالبه المحمول است، بگوئیم «الترك الذي ليس بعمدٍ»، این يك؛ یا بگوئیم ترك به نحو معدولة المحمول، الترك الغير العمدي، در هر دوی اینها باید ترك باشد و متّصف به این عدم باشد، همان طوری که در آن دو تا گفتیم باید زید باشد، متّصف به عدم القیام باشد، در وجهی سالبه المحمول، يك. در وجهی معدولة المحمول باید موضوع باشد و متّصف به عدم باشد. یعنی اگر گفتیم موضوع وجوب قضاء «ترك الذي ليس بعمدٍ»، یا «الترك الغير العمدي» است، در هر دوی اینها باید اول ترك را به نحوی احراز کنیم، ترك باشد و متّصف باشد به این عنوان عدمی. اما اگر از اول آمديم اينطور گفتیم که «ليس الترك عمدياً»، این می‌شود سالبه‌ی محصله. در سالبه محصله می‌شود بگوئیم اصلاً نمازی نبوده که بخواهد تركی باشد! می‌شود به نحو سالبه‌ی محصله.

تشریح نظر امام خمینی(ره) در مقام

حالا بعد از اینکه این فرقها روشن شد، الآن بحث این است، آنچه که امام در اینجا فرمودند این است که آیا موضوع در ادله‌ی سهو به نحو سالبه‌ی محصله است؟ یا به نحو وجهی سالبه المحمول؟ یا وجهی معدولة المحمول است؟ ایشان می‌فرمایند ما یقین داریم موضوع در باب وجوب قضاء یا به تعبیر ایشان موضوع در ادله‌ی سهو، يك سالبه‌ی محصله‌ای که اصلاً سازگار باشد حتی آنجایی که کسی نمازی هم نخوانده، چنین چیزی وجود ندارد، نیست! موضوع در ادله‌ی سهو يك سلب محصل کاملي که بگوئیم هم آنجایی که نماز خوانده و سهو نشده، یا آنجایی که اصلاً نمازی نبوده، می‌فرمایند چنین چیزی نیست، موضوع در ادله‌ی سهو، می‌فرمایند: «لابدّ و أن يكون بنحو الإيجاب العدولي أو الموجبة السالبة المحمول»، به یکی از این دو نحو باید باشد؛ یعنی موضوعش ترك مقید است، ترك متّصف است، باید يك نمازی باشد، يك ترك سجده‌ای هم در آن باشد و این ترك متّصف بشود به عدم العمد یا به نحو وجهی سالبه المحمول بگوئیم «الترك الذي ليس بعمدٍ»، یا بگوئیم «الترك لا عمدي»، معدولة المحمول. می‌فرمایند این حالت سابقه ندارد! «و لم تكن له حالة سابقة»، بعد نتیجه می‌گیرند می‌فرمایند: آنچه که حالت سابقه دارد به نحو سالبه‌ی محصله است، آنچه که حالت سابقه ندارد وجهی سالبه المحمول و وجهی معدولة المحمول است و ادله‌ی وجوب قضا موضوعش این دو تاست.

نتیجه کلام امام خمینی(ره) پیرامون موضوع قضا؛ چهار احتمال در اینجا وجود دارد

نتیجه این شد که یا باید بگوئیم:

«احتمال اول»: موضوع ادله، یا خود عنوان سهو است، «الترك السهوي» است بگوئیم اگر بخواهیم استصحاب کنیم ترك را و بگوئیم قبل از نماز ترك بوده و حالا هم ترك است، با این ترك سهوي بودن را اثبات کنیم می شود اصل مثبت، این کنار می رود، باقی می ماند سه احتمال دیگر.

«احتمال دوم: سالبه‌ي محصله، ترك به نحو سالبه‌ي محصله، «ليس الترك عمدياً»، این يك. می گوئیم این حالت سابقه دارد، اما موضوع ادله‌ي قضا نیست، این دو.

«احتمال سوم و چهارم»: دو چیز دیگر می تواند موضوع ادله‌ي قضا باشد، یکی موجبیه‌ي به نحو سالبه‌ي المحمول و یکی هم به نحو موجبیه‌ي معدوله‌ي المحمول، مرحوم امام می فرمایند این دو تا موضوع ادله‌ي قضاء هست، نتیجه این دو تا این است که موضوع «الترك المتّصف بكونه غير عمد» است. امام(ره) می فرمایند: این حالت سابقه ندارد اینجا، اینها موضوع ادله‌ي قضا هست، ولی حالت سابقه ندارد، نمی شود در اینجا ما استصحاب کنیم، بگوئیم چه اشکالی دارد؟!

پس ببینید این چهار احتمال را خوب دقت کنید و واقعاً هم این بحث‌ها را مغتنم بشمارید، دیروز هم برای برخی آقایان عرض کردم؛ این فروع علم اجمالی خیلی کم اتفاق می افتد ولی انصاف این است که مباحث اجتهادی در آن خوب مطرح می شود، یعنی اگر کسی بخواهد تمرین اجتهاد بکند، اگر از عهده این فروع بر بیاید، این دیگر مشکلی ندارد!

خلاصه اینکه نتیجه این شد که در این دو فرض اخیر این چنین است، یعنی بعبارت اُخري، يك کسانی مثل مرحوم عراقی(ره) می گویند موضوع ادله‌ي قضا ترك سهوي است، اشکالش این است که این اصل مثبت می شود؛

امام خمینی(ره) اول فرمودند موضوع ادله‌ي قضا ترك سهوي است، بعد روی همین اشکالی که بگوئیم آن ادله‌اي که می گوید ترك عمدي موجب بطلان است، می آید تصرف می کند می گویند این ادله‌اي که می گوید سجده، قضا دارد، می گوید ترك غير عمدي، اما عنوان سهو را نمی آورد، امام(ره) می فرماید ترك غير عمدي یا به نحو موجبیه‌ي سالبه‌ي المحمول است و یا به نحو موجبیه‌ي معدوله‌ي المحمول است که هیچ کدام حالت سابقه ندارد.

بررسی یک اشکال

«إن قلت» □ بگوئیم يك استصحاب عدم ازلی بکنیم به نحو سالبه‌ي محصله، که بر این موجبیه‌ي سالبه‌ي المحمول و موجبیه‌ي معدوله قابل تطبیق باشد، چطور می شود؟ حرف سنگینی نزدیم، روشن است و فقط يك مقدار دقت می خواهد، یکی از مشکلات ما در درس‌ها این است که ذهن مان به جاهای دیگری می رود، به جای اینکه بیشتر در درس باشد، سراغ مشکلات می رود.

بررسی جواب از منظر امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) می فرماید: اگر يك کسی بخواهد بیاید با استصحاب عدم ازلی، حالت سابقه این دو تا را درست کند، استصحاب عدم ازلی این است که بگوئیم در ازل ترکی نبود که متّصف باشد به غیر عمدي بودن، بگوئیم در ازل اینطوری بوده، حالا هم بگوئیم اگر ترك هست، آن ترك غير عمدي است. حالا یا به نحو سالبه‌ي محصله، یعنی موجبیه‌ي به نحو سلب تحصیلی یا موجبیه به نحو معدوله‌ي المحمول؛

جواب این است که آن سالبه محصله اعم است، یعنی ممکن است اصلاً بگوئیم ترك موضوع نداشته، اما اینجا در این دو تا، اخص می خواهیم یعنی باید يك ترك و صلاتی باشد و این ترك متصف بشود به غیر عمدي بودن.

نتیجه کلی

نتیجه این شد که جایی برای استصحاب دیگر باقی نمی‌ماند، نتیجه این شد که آقایان استصحاب عدم اتیان سجده را نمی‌توانید نه در نماز و نه در بعد از نماز داشته باشید.

حالا این فرمایش امام خمینی (ره) را دقت کنید، نتیجه این مطالب را و نظر مختار خودمان را فردا عرض می‌کنیم.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَالسَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ